

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

حم - (1)

حامیم (1)

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2)

قسم به کتاب روشنگر (قرآن). (2)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (3)

هر آینه ما ساختیم آن را قرآنی عربی تا باشد شما درک کنید. (3)

وَ إِنَّهُ فِي - أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ (4)

و هر آینه او است در مادر کتاب (لوح محفوظ) نزد ما البته بلند قدر، با حکمت. (4)

أَفَنضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (5)

آیا پس باز داریم ما از شما پند را رو گردان از آنکه هستید شما گروهی از حد گذشته؟ (5)

وَ كَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ (6)

و چه بسا فرستادیم ما از پیغمبران در پیشینیان. (6)

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (7)

و نمی آید به ایشان از پیغمبران مگر بودند به او مسخره می کنند. (7)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (8)

پس هلاک کردیم ما سخت تر (قوی تر) از ایشان را در قوت و گذشته است نمونه پیشینیان.

(8)

وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (9)

و البته اگر بپرسی ایشان را که چه کسی آفرید آسمانها و زمین را؟، البته می گویند: آفرید

آنها را (خدای) غالب، دانا. (9)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (10)

آنکه ساخت برای شما زمین را محل آرامش و ساخت برای شما در آن راه ها تا باشد شما

راه یاب شوید. (10)

وَ الَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (11)

و آنکه فرو فرستاد از آسمان آب را به اندازه پس زنده گردانیدیم ما به آن زمین مرده را.

همچنین بیرون آورده می شوید. (11)

وَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (12)

و آنکه آفرید جورهِ ها را همه آنها و ساخت برای شما از کشتی ها و چهار پایان آنچه را که سوار می شوید. (12)

لَتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (13)

تا استوار بنشینید بر پشت های آن باز یاد کنید نعمت پروردگار خود را چون استوار نشستید بر آن و بگوئید: پاک است آنکه خدمت گذار ساخت برای ما این را و نبودیم ما برای آن توانایان. (13)

وَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ (14)

و هر آئینه ما به سوی پروردگار ما البته برگردنده گانیم. (14)

وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (15)

و ساختند برای او از بنده گان او حصه ئی، هر آئینه انسان است البته ناسپاس آشکار. (15)

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَ أَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ (16)

آیا گرفته است از آنچه می آفریند دخترانی و برگزیده شما را با پسران؟ (16)

وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ (17)

و چون مژده داده شد یکی از ایشان به آنچه زده است برای الرحمان مثالی گردد روی او سیاه و او باشد پر از اندوه. (17)

أَوْ مَنْ يُنشِئُوا فِي الْحَلِيَةِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (18)

آیا کسی که پرورده می شود در زیور و او است در بحث و کشمکش غیر واضح؟ (18)

وَ جَعَلُوا أَلْمَىٰ - نِكَاةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنِ شَاءَ أَشْهَدُوا خَلْفَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَ يُسْأَلُونَ (19)

و ساختند فرشته گان را آنانکه ایشان بنده گان الرحمان اند زنان. آیا گواه بودند آفرینش

ایشان را؟ نوشته می شود گواهی ایشان و پرسیده می شوند. (19)

وَ قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (20)

و گفتند: اگر می خواست الرحمان نمی پرستیدیم ما ایشان را. نیست برای ایشان به این از دانشی؛ نیستند ایشان مگر دروغ می گویند. (20)

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ (21)

یا داده ایم ما ایشان را کتابی از پیش او (قرآن) پس ایشان به آن چنگ زنده اند؟ (21)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّهْتَدُونَ (22)

بلکه گفتند: هر آئینه ما یافتیم پدران ما را بر دینی و هر آئینه ما بر نقش اقدام ایشان راه یافته گانیم. (22)

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ (23)

و همچنین فرستادیم ما از پیش تو در قریه ئی از بیم دهنده ئی مگر گفتند منعمان آن: هر آئینه ما یافتیم پدران ما را بر دینی و هر آئینه ما بر نقش اقدام ایشان پیروی کننده گانیم. (23)

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ مَلَأُوا أُنُوفَهُمْ إِيذًا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَذِبُونَ (24)

گفت (پیغمبر): آیا اگر چه بیاورم شما را به راه نماینده تر از آنچه یافتید شما بر آن پدران خود را؟! گفتند: هر آئینه ما به آنچه فرستاده شدید شما با آن نامعتقدانیم. (24)

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ مَلَأُوا أَنْفُسَهُمْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (25)

پس ما انتقام گرفتیم از ایشان؛ پس ببین چگونه بود سرانجام به دروغ نسبت کننده گان؟ (25)

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (26)

و چون گفت ابراهیم برای پدر خود و قوم خود: هر آئینه من بیزارم از آنچه شما می پرستید. (26)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (27)

مگر آنکه آفرید مرا پس هر آئینه او راه نمائی می کند مرا. (27)

وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (28)

و ساخت آن را سخن باقی مانده در پشت سر او تا بود ایشان بر گردند. (28)

بَلْ مَتَّعْتُ هِيءَ وَاوْءَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَ رَسُولٌ مُّبِينٌ (29)

بلکه بهره مند ساختم اینان را و پدران ایشان را تا اینکه آمد به ایشان حق و پیغمبر آشکارا. (29)

وَ لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (30)

و چون آمد به ایشان حق، گفتند: این جادو است و هر آئینه ما به آن نامعتقدانیم. (30)

وَ قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْبِينَ عَظِيمٍ (31)

و گفتند: چرا نشد فرو فرستاده این قرآن بر مردی از دو قریه بزرگ؟ (31)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحِمْتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (32)

آیا ایشان تقسیم می کنند رحمت پروردگار ترا؟ ما تقسیم کردیم میان شان اسباب زنده گانی ایشان را در زنده گانی دنیا. و بلند ساختیم ما بعضی ایشان را بالای بعضی (در) مرتبه ها تا بگیرد بعضی ایشان بعضی را (برای) خدمت گذاری. و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه که جمع می کنند. (32)

وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفْهًا مِّنْ فُضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (33)

و اگر نبود آنکه شود مردم ملت یگانه ئی البته می ساختیم برای کسی که نامعتقدی می کند به الرحمان برای خانه های شان سقف ها از نقره و نردبانها که بر آنها بالا روند. (33)

وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَنكُبُونَ (34)

و برای خانه های شان دروازه ها و تخت ها که بر آنها تکیه کنند. (34)

وَ زُخْرَفَاءَ وَ إِنَّ كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (35)

و زیورات طلائی. و نیست همه این مگر بهره مندی زنده گانی دنیا. و آخرت نزد پروردگار تو برای پرهیزگاران است. (35)

وَ مَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (36)

و کسی که غفلت می کند از یاد الرحمان مقرر می کنیم برای او شیطانی پس او برای او همنشین نزدیک باشد. (36)

وَ إِنَّهُمْ لَيَصْذُوقُونَ مِنَ السَّبِيلِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (37)

و هر آینه شیطان ها البته باز می دارند ایشان (غافلان از یاد الرحمان) راه از راه و می پندارند آنکه ایشان راه یافته گانند. (37)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (38)

تا اینکه وقتیکه آمد به پیش ما گفت (برای شیطان): ای کاش میان من و میان تو مسافه دو مشرق بودی پس چه بد همنشین نزدیکی بودی. (38)

وَ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (39)

و هیچ نفع ندهد شما را امروز چون ستم کردید آنکه شما در عذاب شریک هستید. (39)

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (40)

آیا پس تو می شنوانی کر را یا رهنمائی می کنی کور را و کسی را که است در گمراهی آشکار؟ (40)

فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ (41)

پس هر گاه ببریم ترا پس هر آینه ما از ایشان انتقام گیرنده گانیم. (41)

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ (42)

یا بنمائیم ترا آنچه وعده کردیم ایشان را پس هر آئینه ما بر ایشان توانائیم. (42)

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي - أُوحِيَ إِلَيْكَ صلى إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (43)

پس چنگ بزن به آنچه وحی فرستاده شده به سوی تو؛ هر آئینه توئی بر راه راست. (43)

وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ صلى وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ (44)

و هر آئینه آن (قرآن) البته پند است برای تو و برای قوم تو؛ و به زودی پرسیده می شوید. (44)

وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَلْجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ (45)

و بپرس از کسی که فرستادیم ما از پیش تو از پیغمبران ما، آیا ساختیم ما از غیر الرحمان معبودانی که پرستش کرده شوند؟ (45)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِيهِ صلى فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (46)

و البته به یقین فرستادیم ما موسی را با نشانه های ما به سوی فرعون و اشراف او پس گفت: هر آئینه من پیغمبر پروردگار جهان ها هستم. (46)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (47)

پس وقتیکه آمد به ایشان با نشانه های ما آنگاه ایشان از (به) آنها خنده می کردند. (47)

وَ مَا نُرِيهِمْ مِنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتَيْهَا صلى وَ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (48)

و نمی نمودیم ایشان را از نشانه ئی مگر او بزرگتر بود از خواهر آن؛ و گرفتیم ما ایشان را به عذاب تا باشد ایشان بر گردند. (48)

وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (49)

و گفتند: ای جادوگر دعا کن برای ما پروردگار خود را به آنچه عهد کرده با تو هر آئینه ما البته راه یافته گان شویم. (49)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (50)

پس وقتیکه برداشتیم از ایشان عذاب را آنگاه ایشان عهد می شکنند. (50)

وَ نَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ صلى قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي صلى أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ (51)

و ندا کرد فرعون در میان قوم خود، گفت: ای قوم من آیا نیست برای من پادشاهی مصر و این جوی ها می رود از زیر (قصر) من؟! آیا پس نمی بینید؟ (51)

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ (52)

یا من بهترم از این شخصی که او خوار است و نیست نزدیک که سخن واضح بگوید؟ (52)

فَلَوْ لَا أَلْفَىٰ عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَىٰ صلى لِكَيْتُمْ مُقْتَرِنِينَ (53)

پس چرا نشد انداخته بر او دست بند ها از طلا یا نيامد همراه او فرشته گان همراهان؟ (53)  
فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (54)

پس بی عقل ساخت قوم خود را پس پیروی کردند او را. هر آینه ایشان بودند گروه سرکشان  
قصدی. (54)

فَلَمَّا ءَاسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (55)  
پس هنگامیکه به خشم آوردند ما را انتقام گرفتیم ما از ایشان پس غرق کردیم ایشان را همه  
یکجا. (55)

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ (56)  
پس ساختیم ما ایشان را پیش روان و نمونه برای دیگران. (56)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (57)  
و چون زده شد پسر مریم مثالی آنگاه قوم تو از آن رو می گردانند. (57)  
و قَالُوا أَمْ ءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (58)  
و گفتند: آیا معبودان ما بهتر است یا او؟ نه زدند آن (مثال) را برای تو مگر گفتگویی. بلکه  
ایشان گروه خصومت کننده اند. (58)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (59)  
نیست او مگر بنده ئی نعمت کردیم ما بر او و ساختیم ما او را نمونه ئی برای بنی اسرائیل.  
(59)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ (60)  
و اگر می خواستیم ما البته می ساختیم ما از شما (در میان شما) فرشته گان در زمین جا  
نشین. (60)

وَ إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (61)  
و هر آینه او (ابن مریم) البته علامه است برای قیامت پس نکنید شک در آن و پیروی کنید  
مرا. این است راه راست. (61)

وَ لَا يَصَدِّقْكُمْ الشَّيْطَانُ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (62)  
و ندارد باز شما را شیطان؛ هر آینه او است برای شما دشمن آشکارا. (62)  
وَ لَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ ۗ فَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (63)

و هنگامیکه آمد عیسی با دلایل روشن گفت: به یقین آمده ام به پیش شما با حکمت و تا  
روشن و واضح سازم برای شما بعضی آنچه را که اختلاف می کنید در آن؛ پس پرهیزید

(خشم) خدا را و فرمان برداری من کنید. (63)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (64)

هرآئینه خدا او است پروردگار من و پروردگار شما، پس بپرستید او را. این است راه راست. (64)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ (65)

پس اختلاف کردند گروه ها از میان ایشان؛ پس وای برای آنانکه ستم کردند از عذاب روز درد دهنده ئی. (65)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (66)

آیا انتظار می کشند مگر قیامت را آنکه بیاید به ایشان ناگهانی و ایشان نمی کنند درک. (66)

الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (67)

رفقا آن روز بعضی ایشان برای بعضی دشمن باشند مگر پرهیزگاران. (67)

يَعْبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (68)

ای بنده گان من نیست هیچ ترسی بر شما امروز و نه شما اندوه کنید. (68)

الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ (69)

آنانکه ایمان آوردند به آیت های ما و بودند تسلیم شده گان (به ما). (69)

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ (70)

درآئید بهشت را شما و زنان شما خوشحال کرده شده گان. (70)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ مَّصِيَّةٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ مَصِيَّةٍ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (71)

گردانیده می شود برای شان ظروف پهن از طلا و پیاله ها؛ و در بهشت است آنچه آرزو کند نفس ها و لذت برد چشم ها؛ و شما در بهشت همیشه باشند گانید. (71)

وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (72)

و این است بهشت آنکه میراث داده شدید آن را به سبب آنچه بودید شما عمل می کردید. (72)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ (73)

برای شما در آن میوه بسیار است از آنها می خورید. (73)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (74)

هرآئینه گناه کاران در عذاب دوزخ همیشه باشند گانند. (74)

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (75)

نمی شود سبک از ایشان و ایشان در آن نا امیدانند. (75)

وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (76)

و نکردیم ما ستم بر ایشان ولیکن بودند خود ایشان ستم گاران. (76)

وَ نَادُوا يَمَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ صلى قَالَ إِنَّكُمْ مَّا كُنْتُمْ (77)

و ندا کردند ای مالک باید حکم کند بر ما نابودی پروردگار تو؛ گفت: هر آینه شما باقی مانده گانید. (77)

لَقَدْ جِئْتُمْ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (78)

البته به یقین آوردیم به پیش شما حق را ولیکن بسیاری شما حق را ناخواهانید. (78)

أَمْ أَيْرْمُونَ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (79)

یا قصد محکم کردند کاری را پس هر آینه ما قصد محکم کننده گانیم. (79)

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَ رُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (80)

یا می پندارند آنکه ما نمی شنویم راز ایشان را و مکالمه مخفی ایشان را؟! بلی و فرستاده گان ما نزد ایشان می نویسند. (80)

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (81)

بگو: اگر باشد برای الرحمان فرزندی پس من نخستین عبادت کننده گان باشم. (81)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (82)

پاک است پروردگار آسمان ها و زمین پروردگار عرش از آنچه بیان می کنند. (82)

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (83)

پس بگذار ایشان را در بیهوده فرو روند و بازی پیش گیرند تا اینکه ملاقات کنند روز شان را آنکه وعده داده می شوند. (83)

وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (84)

و او است آنکه در آسمان معبود است و در زمین معبود. و او است نهایت هوشیار، دانا. (84)

وَ تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (85)

و بسیار با برکت است آنکه برای او است پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن ها است و نزد او است دانش قیامت و به سوی او بر گردانیده می شوید. (85)

وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (86)



و نمی توانند آنانکه می خوانند از غیر او شفاعت مگر کسی که گواهی داده است به حق و ایشان می دانند. (86)

وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ صلى فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (87)

و البته اگر بپرسی ایشان را چه کسی آفرید ایشان را؟ البته بگویند خدا؛ پس چگونه منحرف می شوند؟ (87)

وَ قَبْلَهُ يَرْبِّ إِنَّ هِيَ أُولَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ (88)

و گفتار او (پیغمبر): ای پروردگار من هرآئینه اینان گروهی اند که نمی آورند ایمان. (88)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (89)

پس رو بگردان از ایشان و بگو: سلام. پس به زودی می دانند. (89)